شماره ۱۰ تیم ملی چشمم را گرفت

پیشنهاد مایلی کهن به پرسپولیس؛ محمودی قولنامه آپارتمان بیاورد!

گفت‌وگوی اختصاصی

محمد قراگزلو
خبرنگار

صدای حاجی مایلی این بار آرام‌تر از همیشه بود. دیگر بین جملات صریحش پشت هم نمی‌گفت «توجه کردی؟» دیگر نمی‌توانست کلمات را مثل قطار پشت هم ردیف کند و حتی در یادآوری نام برخی از شاگردان قدیمی‌اش دچار فراموشی می‌شد.

واقعیت مطلب اینکه محمد مایلی کهن مرد صریح و رک فوتبال ایران هم دیگر پیر شده و اگر قرار باشد نسبت به مسأله یا شخصی انتقادی داشته باشد دیگر مثل قدیم آنقدر تند نمی‌رود. انگار دیگر انگیزه یا توانی هم برای انتقاد در او وجود ندارد هر چند از دل مصاحبت با این شخصیت خاص فوتبال ایران کلی حرف و خاطره جالب و جذاب می‌شود استخراج کرد. بهانه تماس با مایلی کهن چرایی درخواست قرارداد ۷۰ میلیاردی یک جوان ۱۹ ساله از باشگاه پرسپولیس بود اما بحث گسترش پیدا کرد و به جاهای دورتر کشیده شد.

آقای مایلی کهن چطور شده که بازیکنی ۱۹ ساله با یکی دو بار دعوت به تیم ملی قرارداد ۴۰-۳۰ را رد می‌کند و می‌گوید ۷۰ میلیارد می‌خواهم؟

اینها که دیگر پول خرد شده اما من واقعاً نمی‌دانم چه بگویم. به قول معروف هر کسی آدم روبه‌رویش را می‌بیند. واقعیت این است که هر کاری نیاز به تجربه دارد. البته این نیست که شما صرفاً تجربه داشته باشی در فوتبال و به قول معروف موفق هم باشید. اینها نتیجه کارهایی است که اتفاق افتاده.

منظورتان سیستم مدیریت باشگاه است؟

بله به صورت کلی می‌گویم شما باید زمینه‌ای داشته باشید که بازیکن شما را بپذیرد. متوجهید؟ متأسفانه الان این‌گونه نیست و بازیکن هم ماشاءالله باهوش شده و انواع و اقسام مشاوره‌ها را به بازیکنان می‌دهند.

اما در بازار بی‌در و پیکر فوتبال ایران باز هم پرداخت ۷۰ میلیارد برای یک بازیکن ۱۹ ساله منطقی است؟

ببینید، باز هم به حرف اولم برمی‌گردم. منطقی که فقط نمی‌تواند درباره بازیکن باشد. اگر همه چیز منطقی بود بله، حق با شما بود. من به شخصیت حقیقی افراد کاری ندارم. همه اینهایی که می‌آیند و می‌روند قابل احترام هستند اما آقایان را قبل از حضور در پرسپولیس کسی می‌شناخت؟ یا اصلاً در فوتبال دیده شده بودند؟



عکس: برنا

سوابق‌شان بیشتر اقتصادی و بانکی است.

بله به هر حال اینطوری است که به من بگویند بیا رئیس بانک بشو. به نظر شما می‌توانم بانک را اداره کنم؟ اینجا(پرسپولیس) با همه چیز روبه‌رو می‌شوید و کار سخت است و سخت‌تر هم می‌شود پس نیاز به تجربه و تخصص خواهید داشت.

بگذریم. مهدی تارتار هم به عنوان مربی با تجربه ۱۵ ساله در فوتبال ایران شروع خوبی داشت اما بعداً به چالش خورد و اخیراً دو شکست متحمل شده. شکست‌های اخیر باعث تردیدهایی درباره موفقیتش شده و انتقاداتی هم به دنبال داشته است.

خب می‌توانم بپرسم چرا آقای هاشمیان عوض شد؟

کلیت نتایجش را در نظر گرفتند.

مگر نتایجش بدتر از آقای تارتار بود؟

ایشان زمان کمتری سرمربی بود و کلا ۷-۶ هفته مربیگری کردند.

مشکل همین است. مشکل این است که بلافاصله عوض می‌کنند. الان مگر جایگاه پرسپولیس در جدول بد است؟ مگر مسابقات تمام شده؟

رده دوم هستند و تازه یک سوم فصل را پشت سر گذاشته‌ایم.

خیلی خب، وقتی ما چیزی به نام باشگاه نداریم با یکی دو تا اعتراض به قول معروف خیلی زود قافیه را می‌بازیم و تصمیم می‌گیریم نفرات را عوض کنیم در صورتی که اینطور نیست. مثلاً شما منچستریونایتد را ببینید. امسال چند تا بازی را باخته؟ سال گذشته هم همین مربی، سرمربی بود و تازه شنیدم که عوضش کرده‌اند در صورتی که منچستریونایتد یکی از بزرگترین باشگاه‌های دنیاست و به این مربی خیلی زمان دادند در صورتی که ما همه چیز را در تغییر نفرات می‌بینیم.

محرم نویدکیا هم که همیشه مورد تمجید شما بوده نتایج خوبی گرفته و تیمش صدر جدول است.

خدا را شکر می‌کنم، ان‌شاءالله موفق باشد. ضمن اینکه شما این را بدانید یک مربی نمی‌تواند همیشه موفق باشد.

فوتبال بالا و پایین دارد.

یقیناً دارد چون عوامل مختلفی در موفقیت مربی تأثیر دارد وگرنه خب شما شخصیت محرم را ببینید، از آن طرف فوتبالیست خوبی بود، محبوب بوده و همه اینها دست به دست هم داده تا چهره قابل قبولی باشد و امیدوارم موفقیتش ادامه پیدا کند.

محمد نوری در تلویزیون می‌گفت تغییر نسل در تیم ملی در زمان شما واقعاً اتفاق افتاد چون اگر بازیکن جوان دعوت می‌کنید باید به او میدان بدهید نه اینکه فقط دعوتش کنید. الان تیم ملی‌مان هم بالاخره با تعویق یازده ماهه جام ملت‌ها به اجبار کمی جوان شد.

ببینید به نظر من هیچ کاری نباید با اجبار اتفاق بیفتد. همه چیز بستگی به عملکرد بازیکن دارد. حقیقت این است خود من اگر سطح فنی یک بازیکن باتجربه با یک بازیکن جوان یکی باشد آن بازیکن باتجربه را انتخاب می‌کنم مگر اینکه نفر جوان‌تر یک سرو گردن بالاتر باشد. اصلاً نمی‌شود تجربه بازیکن را نادیده گرفت و همیشه همینطور بوده. خودم هم تعارف نداشتم و با اینکه از خط زدن بازیکن جوان ناراحت می‌شدم اما شک نکنید که نفر باتجربه‌تر را انتخاب می‌کردم.

پس چطور در جام ملت‌های ۱۹۹۶ ریسک کردید و نفرات ۱۸ تا ۲۰ ساله‌ای مثل مهدوی کیا، مجیدی، موسوی، یزدانی و... را به تورنمنت بردید؟

ریسک؟ من به آنها اعتقاد داشتم. من آنها را دیدم و به فوتبالشان اعتقاد پیدا کردم. آنها بازیکنان خوب و جوانی بودند. نتایج ما را هم که دیدید.

تیم شما هم فوتبال جذابی ارائه داد هم نتایج خوب بود.

بله، بعدش هم ببینید چقدر پشت سر ما حرف زده شد. در صورتی که ما نه به کسی بی‌احترامی کردیم نه چیزی بود. خب یک مقرراتی داشتیم که از خود من شروع می‌شد. من زودتر از همه سر تمرین حاضر بودم و به بچه‌ها می‌گفتم خوب تمرین کنید، خوب استراحت کنید و تغذیه مناسبی داشته باشید. نمی‌شود مراقب نبود. بازیکن که بدنش از آهن نیست. بازیکنی که صبح و بعد از ظهر تمرین می‌کند باید شب زود بخوابد، غذایش مناسب باشد و مراقب رفتارهای بیرون از زمینش هم باشد. اینها اگر رعایت نشود فوتبالیست را از بین می‌برد. من مثل بچه‌های خودم با این بازیکنان رفتار می‌کردم و واقعاً آنها را دوست داشتم. کما اینکه همین حالا آنها تماس می‌گیرند و تشکر می‌کنند. مثلاً وقتی در باشگاه سایپا سرمربیگری می‌کردم یکسری بازیکنان می‌گفتند ما یکساله قرارداد نمی‌بندیم. من به باشگاه می‌گفتم با این بازیکن دوساله ببندید و پولش را هم یکجا بدهید اما شرط کنید که اول برود قولنامه خرید یک آپارتمان یا مغازه را بیاورد.

یعنی می‌خواستید از آن پول استفاده درستی داشته باشد.

بله، خیلی‌ها یشان الان تماس می‌گیرند و می‌گویند شما باعث شدید ما خانه‌دار شویم. واقعاً مثل پدر با این بچه‌ها رفتار می‌کردم. خود من هم از همین طریق خانه‌دار شدم و با پول ناچیزی که گرفتم خانه خریدم هر چند قیمت خانه مثل الان نبود.

پس شاید بهتر باشد باشگاه پرسپولیس هم این روش را برای امیرحسین محمودی پیاده کند.

بله، به او بگویند برود خانه بخرد. آن زمان می‌گفتند مایلی کهن به بازیکن اجبار می‌کند نماز بخوان اما حضرت عباسی اینطوری نبود. البته خودم الان که نماز می‌خوانم خداوکیلی به هزار جا فکر می‌کنم. خداوند به نماز من نیازی ندارد اما همین نماز من را از خیلی چالش‌ها دور کرده. بازیکن هم جوان است دیگر، مشهور می‌شود و ۱۰ تا عکس هم از او انداخته می‌شود. طبیعی است که از خود بیخود می‌شود مگر اینکه یک جور راهنمایی را بپذیرد. به قول معروف با سه سوت معتادش می‌کنند که زمان ما هم خیلی زیاد بود. من خودم پدر نداشتم اما خدا بیامرزد مادرم را. خدا به من محبت کرد، از همان اول به خاطر مادرم اینطور نشد که وقتی دو تا عکس از من چاپ شد یا اسمی از من بردند به قول معروف چپ کنم. باید با بازیکن دوست شد و کمکش کرد. باید مثل فرزند خودم آدم با این بازیکنان رفتار کرد.

در مراسم آقای علیدوستی هم عکسی از شما دیدیم که یحیی گل‌محمدی و سهراب بختیاری‌زاده چطور کنارتان بودند. اصلاً از این عکس مشخص بود که ارتباط شما مربی - بازیکن نبود و فراتر از اینها بوده.

آقا یحیی و آقا سهراب لطف داشتند، جالب است که آن زمان من را متهم به پرسپولیسی بودن می‌کردند. البته که من پرسپولیسی‌ام و شکی در این نیست اما واقعاً اینطوری نبود که بازیکنان تیم‌های دیگر را دعوت نکنم. مثلا سهراب بختیاری زاده را از کجا دعوت کردم؟ مگر استقلال بود؟ فکر کنم جنوب بازی می‌کرد و نیروی اهواز بود. یا نعیم سعداوی هم جنوب بازی می‌کرد. یک بچه شیراز هم بود که الان اسمش یادم نیست.



علی میرزااستواری؟

خدا پدرت را بیامرزد، خدا شاهد است پریروز بعد از مدت‌ها به من زنگ زده بود و می‌گفت هر چه دارم از شما دارم که من گفتم نه، هر چه داری از خداست. به هر حال ما یک کمی انسانیت سرمان می‌شود و اینها را مثل بچه خودمان می‌دانستیم. آن زمان می‌گفتند چون مایلی‌کهن پرسپولیسی است استقلالی‌ها را برنمی‌دارد. فرهاد مجیدی امیدهای بهمن بود، علی موسوی امیدهای پاس بود که من اینها را دعوت کردم. اگر بد بودند چرا بعدا رفتند استقلال؟ نمی‌گویم اشتباه نکردم. من هم اشتباه داشتم اما سعی می‌کردم بهترین‌ها را دعوت کنم و البته این مسأله که سن بازیکن بالا و پایین است را در نظر نمی‌گرفتم.

یعنی سر حرف تان هستید که بازیکن باتجربه اولویت دارد.

الان می‌بینید که می‌گویند تیم پیر است اما واقعاً اگر جوان شایسته وجود داشته باشد به آن جوان ظلم شده. اما اگر واقعاً جوان خوبی نداریم به اینهایی که سن‌شان بالاست و کیفیت خوبی دارند ظلم می‌شود. معیار باید بهترین بودن و خوب بودن باشد. من آن زمان معماریان هافبک وسط سپاهان را دعوت می‌کردم. یا استاداسدی را دعوت می‌کردم که می‌گفتند رفته پسرخاله آقای فائقی را دعوت کرده در صورتی که حضرت عباسی اینطوری نبود. استاد اسدی مدافع وسط خیلی گردن کلفتی بود. خود آقای گل‌محمدی همینطور.

در تأیید صحبت‌های شما احسان حاج‌صفی که بیشترین سابقه حضور در جام جهانی را دارد و یکی از باسابقه‌ترین بازیکنان تاریخ تیم ملی است در همین فصل عملکرد فوق‌العاده‌ای در سپاهان داشته.

شما ببینید الان مسی چند سال دارد، رونالدو چند سالش است؟ دیدید که تازه از تیم ملی رفت و پرتغال چهار تا خورد. پس من اینها را هم دنبال می‌کنم. من می‌گویم وقتی بازیکن توانایی دارد و از خودش مراقبت می‌کند یعنی اینکه شایسته است و نباید به سن‌اش توجه کنیم. طبیعی است که خیلی‌ها ممکن است ایراد بگیرند اما شما به عنوان سرمربی باید کار خودت را بکنی البته از طرفی نباید هم لجبازی کنی. شما به عنوان سرمربی باید تشخیص بدهی که این بازیکن باتجربه به کار تیمی‌ات می‌آید یا نمی‌آید. جالب است که زمان ما دوستان خبرنگار و عکاس می‌آمدند داخل زمین، ما می‌گفتیم بروید پشت خط عکس بگیرید که ناراحت می‌شدند و می‌رفتند برای من بد وبیراه می‌نوشتند. والله را قسم می‌خوردم که این اتفاق می‌افتاد در صورتی که هر کسی یکسری وظایفی دارد. من نمی‌توانم در کار شما دخالت کنم اما واقعاً اینطوری بود.

من می‌گویم وقتی بازیکن توانایی دارد و از خودش مراقبت می‌کند یعنی اینکه شایسته است و نباید به سن‌اش توجه کنیم. طبیعی است که خیلی‌ها ممکن است ایراد بگیرند اما شما به عنوان سرمربی باید کار خودت را بکنی البته از طرفی نباید هم لجبازی کنی. شما به عنوان سرمربی باید تشخیص بدهی که این بازیکن باتجربه به کار تیمی‌ات می‌آید یا نمی‌آید

آقای گل‌محمدی هم سرمربی تیم امید شد. بعد از ناکامی در بازی‌های آسیایی فکر می‌کنید تیم امید با مربیگری ایشان به المپیک صعود می‌کند؟

خب ما چندین و چند سال است به المپیک نرفتیم. طبعاً دلمان می‌خواهد به المپیک برویم اما یک سؤال از شما دارم. این همه سال است به المپیک نرفتیم آیا فوتبال مان از بین رفت؟ در مملکت ما اینقدر بازیکن هست که فکر می‌کنم در کمتر کشوری چنین شرایطی وجود داشته باشد. بارها گفتم این را که خانواده دوست دارند بچه‌هایشان فوتبالیست بشوند و مدام بچه را می‌برند و می‌آورند تا همین بچه‌ها در چمن‌های مصنوعی فقط بازی کنند. طبیعتاً از دل اینها می‌توانی استعداد بیرون بیاوری و رشد بدهی. اگر اینطور نیست پس ما الان باید تیم صدم رده‌بندی فیفا بودیم.

منظورتان این است که نرفتن به المپیک فاجعه نیست.

واقعاً فاجعه‌ای نیست. البته که من هم دلم می‌خواهد تیم به المپیک برود اما مهم این است که بازیکن رشد کند و اگر صعود نکردیم نباید دست روی دست بگذاریم. تا دلتان بخواهد ما جوان شایسته داریم. گاهی اوقات من در شمال یا تهران می‌روم کنار این زمین‌های فوتبال چمن مصنوعی، ناخودآگاه می‌ایستم و برای دقایقی از پشت فنس فقط تماشا می‌کنم و لذت می‌برم.

از شور جوانی و انرژی‌شان؟

از تعدادشان. اینکه چقدر زیاد هستند. واقعاً از همین‌ها دو سه تا بچه نمی‌توانی دربیاوری؟ منتهی چشم ریزبین می‌خواهد، باید نگاه‌ها تخصصی‌تر باشد. اینها همه‌اش مهم است.

بازی تیم ملی مقابل فلسطین را دیدید؟ جوان‌ها یا بازیکنانی که برای اولین بار در ترکیب حضور پیدا کردند چطور بودند؟

بله اینکه یکسری جوان مقابل فلسطین بازی کردند کار خوبی بود. من یک شماره ۱۰ دیدم که خیلی خوب بود.

محمدمهدی محبی است که در پرسپولیس هم ۱۰ می‌پوشد.

نمی‌دانم، یک محبی دیگر هم فکر کنم داریم ولی این قدش بلند بود. من خیلی از این بازیکن خوشم آمد. تمام شاخصه‌های یک فوروارد خوب را دارد.

البته در پرسپولیس بیشتر وینگر یا هافبک راست بازی می‌کند. در دربی هم گل زد و آمار گل و پاس گلش نسبتاً خوب بوده.

به هر حال با اینهایش کار ندارم. هم قد و بالای بلندی داشت هم خوب سر می‌زد هم توانایی عبور از حریفش را داشت. از نظر من بازیکن خیلی خوبی است.

جالب است که با وجود بیماری با این ریزبینی و جزئیات فوتبال می‌بینید؟

بالاخره نمی‌توانید ما را از فوتبال جدا کنید. غم و غصه کشورم و مردمم یک طرف اما به هر حال وقتی این فوتبال را نگاه می‌کنی فکر و خیالت می‌رود سمت توپ وهمه چیز را فراموش می‌کنی اما بعد که تمام می‌شود دوباره همه مشکلات یادت می‌آید.

شما در مراسم زنده‌یاد حمید علیدوستی هم بعد از مدت‌ها در یک جمع فوتبالی حاضر بودید. درباره ایشان یا حسن آقای حبیبی که یکی از بزرگترین مردان فوتبال ایران بودند صحبتی دارید؟

خب واقعاً کسی با ورش نمی‌شد. حمیدخان انسان بسیار شریف و محترمی بود و باورمان نمی‌شد به این راحتی از دنیا برود. البته شکی نیست که همه‌مان رفتنی هستیم اما می‌دانستیم که یکسری از مسائل باعث شد ایشان زود از دنیا بروند. مهم‌ترینش حادثه‌ای بود که برای پسرشان اتفاق افتاد. پسری که ۱۶-۱۵ سالش بود و در شب چهارشنبه سوری جانش را از دست داد. بعد از یک طرف دیگر مشکلاتی بود که برای خانواده‌اش به وجود آمد. اینها همه لطمه می‌زند و اگر انسان، انسان باشد یا پدر، پدر باشد کمر آدم را می‌شکند.

آخرینش هم که بیماری سرطان بود.

بله واقعاً خداوند برای هیچ‌کس نخواهد.

با حمید علیدوستی در سایپا کنار هم کار کردید؟

نه، اما در تیم ملی برای یک دوره کنار هم بودیم. علیدوستی یک فوتبالیست کامل بود، در همه زمینه‌ها. به هر حال ایشان و مخصوصاً همه همایی‌ها هم از نظر اخلاقی هم فنی یکی از یکی بهتر بودند. نمی‌خواهم اسمی ببرم چون ممکن است یکی دو نفر از قلم بیفتند. خدا آقای دهداری را بیامرزد. ایشان خیلی اخلاق‌مدار بودند. از طرفی فکر درس و بحث بچه‌ها هم بودند. من افتخار این را داشتم که یکی دو تا اردوی تیم ملی هم با حسن آقای حبیبی کار کنم. ایشان هم خیلی منضبط و انسان شریفی بودند.

چطور صدایتان اینقدر رنجور شده و آهسته‌تر از قبل حرف می‌زنید؟ همان مشکلات قلبی گذشته است یا کسالتی دارید؟

چند تایی هست، دیگر فکر می‌کنم کم کم بوی الرحمان من هم بلند شده.

خدا نکند، دور از جان، امیدوارم سایه‌تان بالای سر خانواده‌تان باشد.

نه، خدا می‌کند، تعارف که نداریم. ما انسان‌ها با اینکه می‌دانیم یک روزی از این دنیا می‌رویم داریم همدیگر را می‌خوریم. بعضی‌ها می‌گویند فلانی مُرد. یعنی انگار خودشان هیچ وقت نمی‌میرند اما واقعاً رفتن از این دنیا نعمت است.

شما و برخی هم دوره‌ای‌های شما هم در جوانی به پرسپولیس رسیدید اما نه اینقدر پول بود که به شما بدهند نه خودتان اینقدر پولکی بودید.

شاید برایتان جالب باشد که بگویم من وقتی در پرسپولیس بازی می‌کردم تاکسی توپ جمع کن تیم که محمد آقا نام داشت و فامیلی‌اش را فراموش کرده‌ام، می‌گرفتم و با تاکسی کار می‌کردم. قبلاً هم در صحبت‌هایم گفته‌ام که آب، یخ، بستنی و نان بربری هم فروخته‌ام. کتک هم خورده‌ام، چه کتک‌هایی. از پلیس هم کتک خورده‌ام و زندانی هم شده‌ام. یکی دو بار بلیت سینما گرفتم و در بازار سیاه فروختم، بعد من را گرفتند و تا دلت بخواهد کتکم زدند. آن بلیت‌ها متعلق به کارکنان سینما بود و من یک الف بچه آنها را در بازار سیاه فروخته و به نوعی در کارشان دخالت کرده بودم.



نتایج هاشمیان بدتر از تارتار بود که برکنار شد؟



آن زمان می‌گفتند چون مایلی کهن پرسپولیسی است استقلالی‌ها را برنمی‌دارد. فرهاد مجیدی امیدهای بهمن بود، علی موسوی امیدهای پاس بود که من اینها را دعوت کردم. اگر بد بودند چرا بعدا رفتند استقلال؟ نمی‌گویم اشتباه نکردم. من هم اشتباه داشتم اما سعی می کردم بهترین‌ها را دعوت کنم و البته این مسأله که سن بازیکن بالا و پایین است را در نظر نمی‌گرفتم

منطقی که فقط نمی‌تواند درباره بازیکن باشد. اگر همه چیز منطقی بود بله، حق با شما بود. من به شخصیت حقیقی افراد کاری ندارم. همه اینهایی که می‌آیند و می‌روند قابل احترام هستند اما آقایان را قبل از حضور در پرسپولیس کسی می‌شناخت؟ یا اصلاً در فوتبال دیده شده بودند؟ اینطوری است که به من بگویند بیا رئیس بانک بشو. به نظر شما می‌توانم بانک را اداره کنم؟